

بازتاب

نشریه رائد

ویژه نامه بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ
شماره ۴۳ | محرم ۱۴۰۵



آنچه پیش روی شماست، ثمره هم‌افزایی،
دغدغه‌مندی و تلاش تیمی از اعضای بنیاد
شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ است که با دغدغه فعالیت در
عرصه فرهنگ و اندیشه، به ثمر نشست است.

- تولید محتوا و نگارش: واحد نگارش کمیته تولید محتوا
- معاونت پژوهش بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ
- طراحی و صفحه‌آرایی: کمیته گرافیک
- معاونت رسانه بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ

کوچه‌های ایرانمان، عطر جوانانی را می‌دهد که با قدی رعنا به میدان رفتند و با تنی سوخته بازگشتند؛ همان‌ها که داغشان قامت پدران را خمید. این سروهای بی‌سر، امتداد روضه‌ی علی‌اکبرند... امان از آن لحظه که شبیه پیامبر ﷺ راهی میدان شد و ساعتی بعد، رهبر با زانوی بی‌رمق به بالینش رسید و ناله زد: «علی جان، بعد از تو خاک بر سر این دنیا...»

فاستقم

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

نشانه‌های استقامت در حیات (۱)

در قسمت پیشین به مظاهر عدم تثبیت استقامت در وجود آدمی پرداختیم. انسان صبور و مقاوم نشانه‌هایی از این صبر در حیات دنیوی با خود دارد که در این نوشتار این نشانه‌ها را بررسی خواهیم کرد:

هفتمین اثر: ارتباط با ملائک الهی: خداوند در آیه شریفه ۳۰ سوره مبارکه فصلت می‌فرماید کسانی که برای خدا استقامت می‌کنند، خدا ملائکه را برای آن‌ها می‌فرستد.

آثار استقامت در دنیا:

یک؛ سلامت جسم و بدن: امیرالمؤمنین ﷺ در حکمت ۳۸۸ نهج البلاغه می‌فرماید: «فقیریک نوع بلاست و بدتر از آن بیماری است و بدتر از بیماری بدن، بیماری قلب است.»

دو؛ وسعت روزی: خداوند در آیه شریفه ۱۶ سوره مبارکه جن می‌فرماید: «اگر بر طریق حق پایداری کنند، سیرابشان خواهیم کرد.» یاران امام باقر ﷺ درباره این آیه می‌فرمایند: «منظور، استقامت بر ولایت امیرالمؤمنین ﷺ و اوصیاء ایشان است.»

سه؛ حفظ کرامت نفس: امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرمایند: «بر تو باد به راه صبر و استقامت؛ چرا که باعث کسب کرامت می‌شود و تو را از ملامت کفایت می‌کند.»

چهار؛ جلب محبت و دفع دشمن: خداوند در آیات شریفه ۳۴ و ۳۵ سوره مبارکه فصلت می‌فرماید: «خوبی و بدی یکی نیستند. بدی را به بهترین شیوه دفع کن؛ آن‌گاه می‌بینی کسی که با تو دشمن بود، دوست نزدیکت می‌شود.»

توفیق عمل به این شیوه را فقط انسان‌های صبور دارند.

پنج؛ نصرت و امداد الهی: خداوند در سوره مبارکه انعام آیه شریفه ۳۴ می‌فرماید: پیامبران پیش از تو تکذیب شدند و بر آن صبر کردند تا یاری ما آمد. استقامت بدون هیچ قیدی انسان را به پیروزی می‌رساند.

شش؛ نفی خوف و حزن: خوف یعنی بیم انسان از یک امر مکروه احتمالی که معمولاً ناظر به آینده است. حزن یعنی نوعی تألم که معمولاً نسبت به گذشته است.

خداوند در سوره مبارکه احقاف آیه شریفه ۱۳ می‌فرماید: کسانی که گفتند پروردگار ما خداست و استقامت ورزیدند، دچار خوف و حزن نمی‌شوند.

هفت؛ موفقیت در همه ابعاد زندگی: امام صادق ﷺ می‌فرمایند: «یک صبر کوتاه مدت، یک شادی طولانی مدت می‌آورد.» مثل مواجهه حضرت یوسف ﷺ در برابر خواست زلیخا و عاقبت ایشان.

هشت؛ بهره‌مندی از ولایت الهی: خداوند در آیات شریفه ۳۰ و ۳۱ سوره فصلت می‌فرماید: «کسانی که استقامت داشته باشند، ولایتشان را خود بر عهده می‌گیرم.»

در شب‌های آتی به بررسی نشانه‌های استقامت در حیات اخروی خواهیم پرداخت.

در مسیر پرفراز و نشیب رشد، استقامت و پایداری گاه با موانع و سدهایی روبه‌رو می‌شود که ریشه در لایه‌های پنهان شناخت و باور آدمی دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فروریختن شکیبایی، برخاسته از دوانع بنیادین است:

آثار پایداری:

اول بر اهل پایداری: از رسول گرامی اسلام ﷺ آمده که انسان صبور سه علامت دارد. اول اهل تنبلی نیست؛ چون اگر تنبلی کند، حق را ضایع می‌کند. دوم محزون نمی‌شود؛ چون اگر محزون شود شکر را ادا نکرده. سوم از خدای متعال شاکی نمی‌شود؛ اگر شاید شود خدا را عصبان می‌کند.

اولین اثر پایداری؛ ایجاد بینش توحیدی: حضرت شعیب ﷺ در مواجهه با کفار که او را از دینش باز می‌دارند، می‌فرمایند: «خدا پروردگار ماست» در این بینش توحیدی دیگر ترس راه ندارد. (ذیل سوره مبارکه اعراف، آیات شریفه ۸۸ و ۸۹)

دومین اثر؛ عمل بر اساس هنجارهای دینی: انسان اهل پایداری، بر اساس قاعده خودش زندگی می‌کند.

روایت حضرت نوح ﷺ در مواجهه با کفار زمان خویش و ادبیات خاص حضرت در پاسخ به آن‌ها، مثالی از رفتار تماماً توحیدی است. (ذیل سوره مبارکه هود ﷺ، آیات شریفه ۲۵ الی ۳۴)

سومین اثر؛ تلاش برای ارتقای جامعه: خداوند در آیه شریفه ۱۲۱ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید:

برکت جهاد این است که جامعه رشد می‌کند و مردم برای در راه خدا حرکت کردن، بستر پیدا می‌کنند.

چهارمین اثر؛ پیوند زدن دنیا به آخرت: نتیجه پیوند زدن دنیا به آخرت این است که انسان نگران دنیا نمی‌شود و در مسائل دنیوی ثبات قدم پیدا می‌کند.

پنجمین اثر؛ حق‌گویی و ثبات بر حق: ماجرای حضرت ابراهیم ﷺ و شکستن بت‌ها یک نمونه بارز از حق‌گویی است که در آیات شریفه ۶۶ الی ۶۸ سوره مبارکه انبیا به آن اشاره شده است.

ششمین اثر؛ بی‌توجهی به تهدید دشمن: مانند پاسخ ساحران هنگامی که ساحران به حضرت موسی ﷺ ایمان آوردند، فرعون شروع به تهدید آن‌ها کرد.



شهید مرتضی لاریجانی

سپندار

در این دنیای فریبنده که انسان‌ها را به نام و نشان سرگرم می‌کنند، هستند عاشقان بی‌ادعایی که در گمنامی کمر به خدمت خلق و خدا بسته‌اند و تن‌ها رضایت او را می‌جویند و شهید مرتضی لاریجانی رحمته‌الله از این دست انسان‌های با اصالت اما بی‌نام و نشان بود که از عنوان و امتیاز آقا زادگی خویش عبور کرد و با خودسازی به مرز از خود گذشتن برای اعتلای ایران اسلامی رسید و هرگز اجازه نداد پای نفسش در مرداب این دنیا فرو رود.

او که از دانش‌آموختگان نخبه دانشگاه صنعتی شریف نیز بود، با جهاد علمی و عملی خود برگ زرینی بر تاریخچه این دانشگاه افزود و تلخی به آتش کشیدن پرچم مقدس ایران را به دست عده‌ای دانشجوی فریب خورده زدود و نشان داد هنوز نام و راه شهید شریف در این دانشگاه زنده است. آقا مرتضی که ماه‌های آخر عمرش را وقف محافظت از پدر کرده بود سرانجام در جنگ رمضان به همراه وی به شهادت رسید و به پدر بزرگ شهیدش مرتضی مطهری رحمته‌الله پیوست.

ایستاده‌ام میان صحن هیئت، ظرف مهرها در دستم هست و در شتاب عزاداران برای رسیدن به رکعت آخر نماز، سلامشان می‌دهم و مهر. صف‌های نماز امشب بیشتر از هر شب است. نرگس، دوباره می‌گوید: "ریحانه نماز تموم شد، برای جاده‌ی مردم با بچه‌های جلو هماهنگ باش، کسی سرگردون جا نباشه." چشمی می‌گویم و می‌رود. پشت سر نرگس، نگاهم به عمه می‌افتد. پیرزن، حدود ۷۰ سال دارد، شانه‌های پهنی دارد ولی کمرش خم شده، قهوه‌ای روشن چشم‌هایش، بمی صدایش، دست‌های زبرش مرا یاد عمه می‌اندازد و دیدنش دلتنگی‌ام را کم می‌کند. صندلی را از دستش می‌گیرم. می‌گویم: "می‌ذارم همان جای همیشگی." جمعیت با سرعتی بیشتر از هر شب می‌آید. نیمی از صحن پر شده است. با اشاره دست، ظرفیت خالی بقیه را می‌پرسم. عزادارهایی که روی پارچه سفید مسیر ایستاده‌اند را راهنمایی می‌کنم. صحن پر شده است. سکوت جای همه‌مه را گرفته و همه گرم شنیدن سخنرانی هستند.

گوشه‌ای از صحن می‌ایستم و دوباره به جمعیت نگاه می‌کنم. کف پایم را تکان می‌دهم، شاید از دردش کم شود. دلم برای خستگی پاهایم تنگ می‌شود. برای این بدو بدوها، برای رفاقت‌هایی که ده روزش شبیه ده سال رفاقت است. برای گم کردن ساعت شروع و پایان مراسم. چشم به هم می‌زدیم داشتیم کیسه‌های کفش نوبت خروج را جمع می‌کردیم؛ اما دلم پیش روضه‌هایی که نشنیدم می‌ماند. چراغ‌ها خاموش شده و بغض روضه‌های نشنیده می‌نشیند بیخ گلویم. فاطمه روی شانه‌ام می‌زند. من حواسم هست به این قسمت، شما بشین روضه گوش بده، ما رو هم دعا کن.

نیت می‌کنم به جای همه بچه‌هایی که این شب‌ها روضه به گوششان نرسید، روضه را گوش دهم. خادم‌های مسیر، بیرون فاطمیه مشغول بودند، حتی صدای مراسم هم به گوششان نرسیده. قبل از همه می‌آیند، بعد از همه می‌روند و تا آخر لبخندشان را برای خوش آمد و بدرقه مردم نگه می‌دارند.

می‌نشینم. سخنران روضه عاشورا می‌خواند. "اگر در عاشورا اصحاب دور امام جمعند و امام فریاد می‌زند: "قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السُّلَّةِ وَالذِّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ مِّنَّا الذِّلَّةُ" ما هم فریاد می‌زنیم. "جمعیت یک صدا و بلند با مشت‌های گره کرده می‌گوید: هَيْهَاتَ مِّنَّا الذِّلَّةُ."

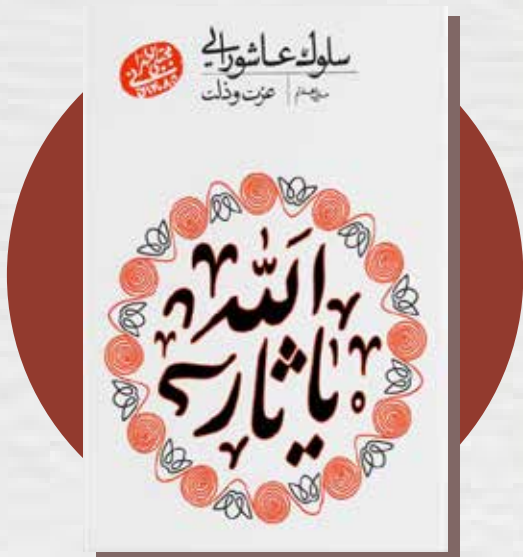
"ما هم این جا دور حسین علیه السلام جمع شدیم. این دوست داشتن حسین علیه السلام است که به ما عزت داده، اگر جایی در دنیا سرمان را بالا می‌گیریم و افتخار می‌کنیم به مبارزه با ظلم، چون از این امام یاد گرفتیم. ما بعد ۱۴۰۰ سال اومدیم تو راه حسین علیه السلام باشیم و بگیم ببخشید عاشورا وقتی گفتی هل من ناصر نبودیم. الان اومدیم جواب بدیم."

توی سینه زنی به نیابت از همه خادم‌ها سینه می‌زنیم، نوبت دو دمه می‌رسد. با خانم‌ها دم می‌گیرم: "امشب‌ی‌را شه دین در حرمش مهمان است" و بعد خورشید را با هم قسم می‌دهیم که طلوع نکند. شب آخر، شب وداع است. در آستانه در می‌ایستیم برای خدا حافظی. هرنفری که می‌رود، یک تکه از قلب ما را می‌برد. با صدای بلند طلب حلالیت می‌کنیم. "ای عزادارهای امام حسین علیه السلام کم ما رو ببخشید و حلالمون کنید." عمه می‌رسد، دست می‌کشد بر سرم، می‌گوید: "من خیلی دعاتون کردم، همتون خوشبخت شید، سربلند باشید تو زندگی‌تون." از فردا شب حتماً بعد از نماز یک دلتنگی گوشه دلم لانه می‌کند برای عزاداران حسین علیه السلام.

ثمره‌لب

مسیر آزادی و حیات طيبة

کتاب عزت و ذلت (از مجموعه سلوک عاشورایی)



عزت و استغناي روح، گوهری است که انسان در مسیر پیرالتهاب زندگی همواره به دنبال آن می‌گردد و در نقطه مقابل، تن دادن به ذلت، سرآغاز سقوط اخلاقی و اجتماعی اوست. کتاب «عزت و ذلت» اثری ژرف و جریان ساز از مجموعه ارزشمند «سلوک عاشورایی» است که با نگاهی دقیق و عالمانه، یکی از کلیدی‌ترین دوگانه‌های تاریخ بشر را واکاوی می‌کند. مرحوم آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی در این اثر، حماسه حسینی‌رانه صرفاً یک رویداد تقویمی؛ بلکه عالی‌ترین تجلی‌گاه حفظ کرامت انسانی و ایستادگی در برابر ذلت نفسانی و بیرونی معرفی می‌کند.

آنچه این کتاب را به اثری برجسته و متمایز در حوزه معارف حسینی تبدیل کرده است، نگاه ریشه‌ای، تربیتی و کاربردی نویسنده به مقوله عزت نفس است. این اثر با پرهیز از نگاه‌های صرفاً احساسی، به کالبدشکافی ابعاد روان‌شناختی و معنوی عواملی می‌پردازد که انسان‌ها را به پذیرش ذلت وامی‌دارد. پیوند هنرمندانه مباحث عمیق اخلاقی با عبرت‌های نهضت عاشورا و استناد دقیق به مبانی قرآنی و روایی، به مخاطب کمک می‌کند تا مرزهای عزت و ذلت را در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان جامعه امروز و زندگی روزمره خود به روشنی تشخیص دهد و به سوی آزادی حقیقی حرکت کند.

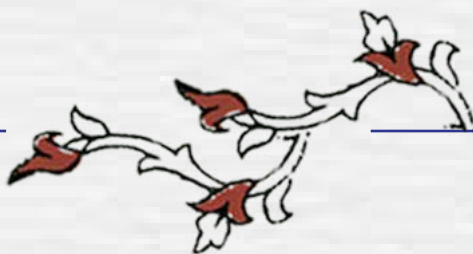
در روزگاری که حفظ استقلال فکری و کرامت انسانی نیازمند مراقبت مداوم است، خواندن این کتاب برای تمامی مخاطبان دغدغه‌مند نشریه «رائد» یک ضرورت و پشتوانه فکری مستحکم به‌شمار می‌آید. مطالعه این اثر ناب، روحیه استقامت را در خواننده زنده کرده و چراغ راهی است برای کسانی که می‌خواهند در مسیر رشد و تعالی اجتماعی، همواره عزتمندانه و بدون توقف گام بردارند.

**جهت دسترسی
به مجموعه صوتی
رمزینه مقابل را
اسکن کنید**



محرم ۱۴۰۵

**دسترسی به صوت و خلاصه سخنرانی
دهه سوم محرم با موضوع «عزت دینی»**



bonyad_shahidpalizvani



palizvani.ir